

سبقت‌کالی و بکر ولی علیه السلام

علت عدم دفاع علی علیه السلام از حق خود در کلام حضرت

محمود بن لبید گوید: پس از آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت رسیدند، فاطمه سلام الله علیها بر سر مزار شهیدان و از جمله حضرت حمزه رفته بود. حضرت را دیدم که آنجا نشسته و گریه می کند. چیزی نگفتم تا اینکه ساکت شد. جلو رفته سلام دادم و گفتم: ای بانوی زنان جهان! به خدا سوگند رگهای قلبم از گریه شما پاره شد. فرمود: ای ابو عمر گریه شایسته و سزاوار من است. من به مصیبت فقدان بهترین پدران، که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باشد، گرفتار شده ام. ای وای! که چقدر مشتاق دیدار رسول خدایم. بعد این شعر را سرود:

آنگاه که کسی می میرد، از او کمتر یاد می شود. ولی به خدا سوگند که یاد پدر من از هنگام مرگش بیشتر شده است.

عرض کردم: بانوی من، سوالی دارم که در سینه پنهان کرده مرا می آزارد. فرمودند: بپرس. عرض کردم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیش از وفاتش درباره امامت حضرت علی علیه السلام چیزی به طور صریح فرمودند؟ فرمود: خیلی تعجب آور است آیا روز غدیر خم را فراموش کرده اید؟! عرض کردم: آری آن را در نظر دارم ولی از آن چه که به طور پنهانی و سری به شما فرموده اند، به من خبر دهید. فرمودند: خدا را شاهد می گیرم که از پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود:

علی بهترین کسی است که در بین شما به جانشینی می گذارم. او پس از من امام و خلیفه است. و دو نوه من و نه نفر از صلب حسین امامان نیکو کارند. اگر از آنان پیروی نمودید. آنان را راهنمای هدایت یافته خواهید دید و اگر با آنان مخالفت کردید، اختلافات تا روز قیامت در بین شما خواهد بود.

عرض کردم: ای بانوی من! چرا او نسبت به حق خود ساکت مانده و از آن دست برداشته است؟ فرمود: ای ابا عمر! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «امام» همچون «کعبه» است که به سوی او می آیند و او به سوی «مردم» نمی رود. و بعد حضرت سلام الله علیها فرمود: به خدا سوگند اگر می گذاشتند که حق بر محور خود بچرخد و آن را برای اهلش باقی می گذاشتند و از خاندان پیامبر خدا پیروی می کردند، هیچ گاه دو نفر درباره خدا با یکدیگر مخالفت نمی کردند و آیندگان از گذشتگان آن را به ارث می بردند و گذشتگان برای آیندگان خود می گذاشتند تا اینکه قائم ما «عجل الله تعالی فرجه الشریف» که نهمین فرزند حسین است به پا خیزد. اما اینان آن کسی را که خداوند مؤخر دانسته مقدم

داشته و آن کسی را که خداوند پیشوا قرار داده کنار زدند. و همین که پیامبر خدا را در قبر گذارده جسم شریفش را به خاک سپردند، هوی و هوس را برگزیده به آن و افکار خود عمل کردند: نفرین بر آنان! آیا این سخن را از خداوند نشنیدند که فرمود:

وَرَبِّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ¹

پروردگار تو هر چه بخواهد می آفریند، و هر چه بخواهد بر می گزیند؛ آنان اختیاری ندارند.

آری شنیدند. اما آنان مصداق این آیه شریفه بودند که خداوند فرمود:

فَأَنهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ²

نه خیلی دور از حقیقتند اینان آرزوهای دنیوی خود را گسترش داده مرگ و قیامت خود را فراموش کرده اند. مرگ و نابودی بر اینان و کارهایشان در گمراهی باد! خداوندا! از فرومایگی پس از سرفرازی و نقصان پس از کمال به تو پناه می بریم.³

1- سوره قصص آیه 68

2- سوره حج آیه 46

3- عوالم المعارف جلد 11 صفحه 228